

قسمت چهاردهم

در توصیف از مدرسه فضیه و سر تسمیه

و تاریخچه تحولات این دانشگاه دینی

در عاصمه تشیع قم

در تاریخچه تحولات مدرسه ای که در مجاورت آستانه بوده است اعم از آنکه بنام مدرسه سنی فاطمه یاقضیه خوانده شود به نقاط ابهامی برخورد می‌شویم که جز با استضائه از قرائن و امارات و استناره از تتبع و بررسی رویدادهای قم در کتب متنوعه تاریخی و رجالی و استفاده از نقشه‌های ترسیمی در سیاحت نامه‌های سیاحان خارجی در این وادی تاریک راهی در پیش پای محققین نمیتوان گشود و نگارنده این روزنه رامی‌گشاید تا شاید دیگران این راه را هموار گردانند .

مسلم است که تا زمان طلوع کوكب اقبال صفویه آستانه فاطمیه راجزیک بقعه باقیه کلاه خودی کاشی و چند مسجد محقر بنام پیش روی و شاید بالای سر و دو مناره آجری بدون تالارچه و صحنی با جدار ساده ، مرافق و بیوتاتی نبوده است که تا نیمه قرن هفتم دور از شهر قم افتاده بود و از آن ببعد تدریجاً به باروی شهر متصل شد . و در نیمه قرن ششم وجود مدرسه‌ای بنام مدرسه سنی فاطمه که بظن قوی در مجاورت آستانه قرار داشته و جدای از بنای ستیه بوده است (زیرا در آن عصر در

میدان میر فقط مسجد جامع میر ابو الفضل عراقی در جوار ستیه بوده است .
 ناگفته نماند که از زمانیکه عضدالدوله دیلمی روضه مطهره مرتضویه را در
 نجف اشرف بنا کرد (۳۷۳ قمری) و برای آن صحنی موسع دارای حجرات بسیار
 جهت سکونت اهل علم و احياناً زوار آن روضه بنیان نهاد ساختمان حجرات در
 صحن های مشاهد متبر که متداول گردید چنانکه شرف الدین قمی وزیر سلطان سنجر در
 سال ۴۵۱ ضمن تعمیر روضه مطهره رضویه در مشهد حجراتی در اطراف بقعه شریفه
 بنا نهاد و رقباتی بر آنها وقف نمود که یکی از آنها مدفن خود او گردید .

و همچنین سعد الملك قمی بر اوستانی همزمان بنیان دو گنبد یکی برای عبدالعظیم
 حسنی در شهری و دیگری برای سلطانعلی در مشهد اردهال علاوه بر حجرات
 صحنین مدرسه ای هم در مجاورت آنها بنا نهاد که در آن عصر دفن اموات در این
 حجرات معمول نبود و هر گاه بر دفن یکی از شیوخ علما در جوار تربت امام یا
 امامزاده ای ناچار میشدند مانند شیخ حر عاملی او را در ایوان یکی از حجرات بخاک
 می سپردند زیرا حجرات مسکن طلاب بودند .

بنابر مقدمات از آنجائیکه روضه فاطمیه در قرن ششم يك بقعه لیسیده از مرافق
 و بیوتات مینمود و صحنی دارای حجرات نداشت و از شهر و جنجال و هیاهوی اجتماع هم
 دور بود طبق سنت متداوله در نزدیکی آن مدرسه ای بنا کرده بودند که بواسطه قرب
 جوار به مدرسه ستی فاطمه شهرت یافته بود .

اما مدارس نه گانه ای که در کتاب النقض بسال ۵۵۶ نام بردار گردیده است به جز همین
 مدرسه بقیه در داخلی حصار شهر بودند و شهر هم در آن عصر در اراضی بر اوستان (مکانی
 که خرابه هایش باقی و بنام تپه های قم درویش مشهور است) قرار داشت و این شهر
 در فتنه مغول و یورش جته نویان فرزند چنگیز خان بسال ۶۱۷ به تلی از خاک و خاکستر
 مبدل گردید و بعداً مردم باقیمانده و پراکنده و متواری قم چون به موطن خویش روی
 آوردند شهر جدیدی در مجاورت روضه فاطمیه بنا کردند .

و چون تا اوائل قرن هشتم روضه فاطمیه از تزیینات ظاهری بی بهره مانده بود هنگامیکه عطاء الملك حسنی بنای بقعه علی بن جعفر را بسال ۷۸۰ تجدید کرد و تا سال ۷۴۰ بمرور با انواع گچبریهای بدیع و کاشیکاریهای منیع آراسته گشت و علاوه بر مرقد ازاره بقعه با بهترین کاشیهای عصری تزیین یافت و تدریجاً مزار عمومی و محل ندور و مورد توجه خاص و عام گردید متصدیان بقعه به استناد روایات منقوله از ائمه طاهرین در شان این سرزمین بدین مفاد که دری، یادرهائی از بهشت در قم گشوده میگردد محراب بقعه مزبور را بنام درب بهشت نام گزاری کردند و با کسب این عنوان دفن اموات در جوار آن بقعه چندان اهمیت و رسمیت یافت که جمعی از ملوک و وزراء را در آن گورستان دفن کرده برای آنان گنبد های مجللی هم بنا کردند که سه قبه تاریخی گنبد سبز از آن جمله باقیست .

باری مدرسه سنی فاطمه در شمالی روضه فاطمیه وجدای از آن و در کنار گورستان بابلان قرار داشت و چه بسا که در غربی آستانه یعنی به جای مسجد اعظم واقع بوده است که بعداً در مسیر رودخانه قرار گرفت ولی اخیراً با ایجاد سد جدید بصورت کنونی در آمده از اراضی رودخانه بیرون افتاده است .

مقصود آنست که چون نمی خواسته اند در اراضی بابلان که وقف بر گورستان شده بود تصرفاتی برخلاف نظر واقف (موسی بن خزرج اشعری) بعمل آورند و مدرسه را در زمینی مغضوب بسازند مدرسه مورد نظر را در کنار آن وجدای از آستانه بنا کرده بودند تا سکونت اهل علم و عبادتشان در آنجا بدون اشکال باشد . و مؤید مقال درباره عدم اتصال مدرسه به صحن و روضه همان ایوان مجللی است که سید تاج الشرف موسوی جلو درب مدخل صحن و درپچه غرفه مشرق الشمسین در سال ۹۳۹ در شمالی صحن عتیق بنام عتبه علیه فاطمیه بنا نهاده است و هر گاه این ایوان در داخل مدرسه سنی فاطمه قرار داشت آنرا عتبه نمیخواندند چه که متبادر از کلمه عتبه دربی است که میانه ابنیه و بیوتات روضه با خارج باشد مضافاً بر

اینکه هر گاه در شمال صحن بلافاصله مدرسه‌ای وجود داشت بایستی در تعمیرات و تزینات شاه بیگم در عصر شاه اسمعیل ایوان این سردرب را طوری بیاریند که محتاج به تجدید و تزیین بعدی نباشد نه بایک جدار آجری ساده و بدون ایوان که تاج الشرف آنرا از نو بنا کند و در کتیبه‌های داخلی آن به وجود آن مدرسه اشاره ایهم ننماید در صورتیکه اگر در جلو این ایوان مدرسه‌ای وجود داشت قاعده بود که از کرباس علم و فضیلت هم نامی بمیان آمده باشد تا دیگران در این باره چه نظر بدهند .

تاریخ پیدایش مدرسه فیضیه

و چنین بنظر میرسد که با تغییر مسیر رودخانه از جنوبی آستانه بجانب غربی (مجرای کنونی) و در لحظاتی که مدرسه‌ستی فاطمه در این مسیر افتاده منهدم گردید علامه ثانی حکیم صمدانی مولانا محسن فیض کاشانی در رقم مرجعیت تامه با مقبولیت عامه یافته بنیان مدرسه‌ای را در مجاورت روضه به عوض مدرسه‌ستی فاطمه لازم تشخیص داده در این باره از سلیمان خان متولی مقبره شاه صفی استمداد طلبید و نامبرده در سفری به اصفهان شاه عباس ثانی را بدین مهم هم میخواند و سر انجام بنای مدرسه بکمک آن پادشاه زیر نظر مولانا خاتمه پذیرفت .

و بعقیده نگارنده مدرسه نو بنیان که بواسطه مساعی مولانا بنام فیضیه خوانده شده است از بنای صحن عتیق جدا بوده است یعنی میانه ایوان تاج الشرف تا سر در آن مدرسه کوچه و شارعی در مقابل پل شاه صفی که در نقشه‌های سیاحان آن عصر بخوبی مشهود مییاشد وجود داشته است .

و بالجمله همین نام هم بر بنیان مدرسه از ناحیه مولانا دلالت کامل دارد و هر گاه این مدرسه را بدان جهت که جزء بیوتات روضه فیض آثار فاطمه است بدین نام نامیده اند میبایستی مدرسه‌ستی فاطمه را هم مدرسه فیضیه خوانده باشند همان مدرسه ای که صاحب النقض بنام مدرسه‌ستی فاطمه دارای اوقاف و زینت تمام و فقهاء و ائمه ذکر

کرده است در صورتیکه مدرسه فیضیه امروزه فاقد اوقاف وزینت است .
 و بطوریکه بنظر میرسد مدرسه فیضیه در آن عصر مشتمل بر بیست و چند حجره
 بدون مسجد بوده است .

سپس مولانا در مقام توسعه سطح فرهنگ اسلامی بر آمده شادقلیخان حکمران
 قم را بر آن داشت که مدرسه مشابهی در شمالی آن بنا کند که بنام مدرسه شادقلیخان
 خوانده می شد .

و بعد از آن میرزا تقی خان اعتمادالدوله معروف به سار و تقی همزمان دعوت
 شاه عباس از مولانا به اصفهان نیز بخواهش وی سومین مدرسه را بایک بر که آب
 (آب انبار) در شمالی آن بنا کرد که از سومین عمارت همان آب انبارش باقیست
 در نتیجه برای ورود به روضه میبایست از چهار عمارت متصل بهم بگذرند چنانکه تاورینه
 سیاح نگاشته است .

که هر گاه میانه مدرسه فیضیه باصحن عتیق چنانکه نگاشته شد شاعری در نظر
 بگیریم باید معتقد شویم که تاورینه از وجود آن غفلت یافته است و باروی آن را مانند
 بازار چه و گذری پوشانده بوده اند .

چه که وجود پلی نه چشمه بر روی رودخانه در سال ۱۰۷۰ چنانکه در نقشه
 سازدن سیاح دیده میشود قابل انکار نیست .

زیرا نمیتوان گفت که در برابر این پل شاعری نبوده است خصوصاً که پل مزبور
 تنها مدخل شهر و محل عبور احشام و اغنام و دواب و همچنین راه ایاب و ذهاب
 اهالی شهر و مسافرین بوده است .

و بطور مسلم مسیر رودخانه تا سال ۱۰۱۸ در همان مجرای قدیمی بوده است
 یعنی از جنوبی آستانه به جانب شرق بطور مار پیچ امتداد داشته است چنانکه در
 نقشه آرام اولثار یوس که در همین سال ترسیم گردیده است مجرای مزبور در
 جنوبی آستانه بخوبی مشهود است منتها مجرای احتیاطی رودخانه که از جنوب

به شمال از برابر بیمارستان فاطمی بخط مستقیم در کوچه ارك تا برسد بیازار امتداد داشته است در آن نقشه جلب توجه میکند .

و بشهادت تسمیه مسیر رودخانه سابق بنام رودخانه صفی آباد در شرقی شهر میتوان گفت که تغییر مجرای رودخانه پس از انهدام قسمتی از شهر بواسطه ریزش سیل در سال ۱۰۴۵ در دولت شاه صفی اتفاق افتاده است .

و اما پل محاذی آستانه در موقع تجدید بنای مدارس فیضیه و دارالشفاء از ناحیه فتحعلی شاه خراب و درء و وض آن پل سنگی جلودرواه معصومه نزدیک مسجد امام ساخته شد که بعداً علی خان نایب الحکومه قم آنرا پیل آجری تبدیل کرد و اخیراً با افزایش پیاده روهای جنبین بر سطح آن از ناحیه مرحوم حاج محمد رضا زاد تاجر نیکوکار قمی مقیم تهران بصورت کنونی درآمد .

باری این مدرسه که اینک باحراز مقام بزرگترین دانشگاههای دینی ممالک اسلامی دیده جهانیان بدور نمای آن دوخته شده توجه قاطبه مسلمین جهان را بسوی خویش جلب کرده است دارای یکصد حجره و غرفه با ایوان میباشد که در عقب حجرات تحتانی آن هم صندوقخانه یا انبار است و بیش از دوپست تن از اهل فضل و دانش در آن مسکن دارند .

این مدرسه بدون اوقاف است و از اوقاف مدرسه سستی فاطمه که صاحب النقص یاد کرده است اکنون نام و نشانی نمیباشد و با اینکه جزء بیوتات آستانه شمرده میشود از ناحیه آستانه کمترین کمک به هزینه طلاب نمی شود بلکه هزینه آنان باز ممداران حوزه علمیه از مراجع روحانی است .

در جای این مدرسه و مدرسه دارالشفاء سابقاً سه مدرسه از عصر صفوی وجود داشت و در سال ۱۲۱۳ فتحعلی شاه در مقام توسعه و تحسین آنها بر آمده مدارس قدیمه را خراب کرد و قسمتی از اراضی رودخانه و زمینهای شرقی راهم بر آن بیفزود و دو مدرسه کنونی را بنیان نهاد که تا سال ۱۴۱۸ در دست ساختمان بود .

و ابتداء سدی در میان رودخانه احداث کرد تا زمین‌هایی بدست آید و از اراضی بین السدین قسمتی را به محوطه مدرسه تخصیص داد و در باقیمانده آن سه عمارت بنام خانه‌های شاهی بنانهاد که یکی ویژه جلوس پادشاه و دیگری برای وزراء و ارکان و آخری برای فراشان و طبّاخان بود و مسجدی که در عقب ایوان غربی مدرسه یعنی زیر شاه‌نشین و کتابخانه کنونی است کرباس این ساختمانها بود و غرفه بالای آن هم محل جلوس پادشاه و بارگاه عام او بود .

خانه‌های شاهی را با تمام لوازم زندگی از قالی‌ها و ظروف و اثاثیه شاهانه برای سکونت رجال وقف کرد که وقف‌نامه آن روی لوحی مرمر حجاری شده بود و در سر درخانه دوم بجانب رودخانه نصب بود که شبانه کنند و بردند در نتیجه نگارنده متن آنرا در کتاب جدی فروزان درج نمود .

و در عمارت ویژه نزول پادشاه تالاری بود که در سینه جدار آن تصویر قلمی و روغنی از فتحعلی‌شاه با تاج و کمر زرین و شمشیر و حمایل مرصع در حالیکه بر تخت طاوس جلوس کرده است و در دو جانب آن در سه جانب شاه‌نشین تصویرات شاهزادگان در دو صف در لباس سلام رسمی نیز با تاج و کمر و شمشیر بپا ایستاده نقاشی شده بود .

و هنگامیکه آیه‌الله بروجردی بنام تبدیل به احسن تصمیم یافت که فضای این عمارت را بر محوطه مسجد اعظم بیفزاید صفحه‌های گچی که این تصویرات روی آنها ترسیم شده بود قطعه قطعه از سینه جدار جدا ساخته به گوشه مقبره شاه سلیمان انتقال دادند تا بعداً محل مناسبی برای نصب آنها بدست آورند که هنوز هم در آن گوشه افتاده‌اند و بعقیده نگارنده نصب آنها در سینه سالن میهمانسرای آستانه بی‌تناسب نمیباشد .

بهر صورت مدرسه مزبور تا سال ۱۳۴۱ قمری يك طبقه بود جز اینکه در طرفین سه ایوان بزرگ شرقی و غربی و شمالی آن چهار غرفه و جمعاً دوازده غرفه کوچک

و بزرگ وجود داشت که ایوان‌های آنهاروی ایوان‌های تحتانی ساخته شده بود .
تا در سال - ۱۳۰۱ خورشیدی که اهل علم از لحاظ مسکن در مضیقه قرار گرفتند
ابتداء مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد فیض در جانب شمال و شرق مدرسه بغرفه
سازی پرداخته يك چهارم از ساختمان فوقانی آنرا بیابان رسانید .

و چون نمیخواست که از روحانیت مدرسه کاسته شود بنای فوقانی را به اندازه
عرض ایوانهای تحتانی عقب گذاشت به طوریکه جلو غرفه‌ها فضای ماهتابی باقیماند و این
امر با مخالفت شدید مقدس نمایان متجمد روبرو گردیده هو و جنجالی پیداشتند
و چنین استناد میکردند که ساختن طاقچه در سینه جدار غرفه‌های طرفین ایوان بزرگ
تا جلو ، دلیل بر آنستکه واقف با عقب قرار دادن ساختمان فوقانی موافقت نداشته
است پس اینگونه بنا برخلاف نظر واقف و نامشروع است .

مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری برای تأیید صحت عمل آن مرحوم در سه
قسمت دیگر فوقانی بغرفه سازی اقدام فرمود و ساختمان آنها را به تبع این قسمت عقب
قرار داد و با این تقریر عملی به سرو صداها و امواج اعتراضات خاتمه زیرا بخشید در رأس
مخالفین ثقه الاسلام مرحوم حاج شیخ محمد تقی یزدی متصدی بیت المال از ناحیه
آیت الله حائری بود و جرئت چنین جسارتی را نداشت که با آن مرحوم نیز به
مخالفت پردازد .

باری این مدرسه با دارالشفاء بمنزله يك واحد علمی است در نتیجه شصت حجره
و غرفه مدرسه ثانوی هم ضمیمه آن میشود پس ظرفیت ۳۲۰ نفر محصل دارد که تا مدرسه
حججیه از ناحیه آیت الله سید محمد حجت کوه کمری بنیان نگردیده بود این مدرسه
بزرگترین مدارس دارالعلم قم شمرده میشد .

اما اکنون دومین مدرسه بزرگ این شهر میباشد چه که مدرسه حججیه بانه پارک
که بیشتر آنها مشتمل بر ۳۶ حجره و غرفه هستند در حدود سیصد اطاق با گنجایش
ششصد تن دانش آموز دارد و پس از آنها از مدرسه مخروب و به مؤمنیه باید یاد کرد که جدیداً

از ناحیه حضرت آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی از اساس نوسازی شده است و هشتادحجره و غرفه دارد که در پایان کتاب در شمار بناهای این قرن توصیف خواهند گشت .

بالجمله مدرسه فیضیه در جوار روضه مطهره از حداکثر روحانیت و برکت برخوردار و طول آن از شمال به جنوب ۶۰/۷۰ و عرضش ۵۰ متر و دارای حوضی مربع در وسط و چهار باغچه مشجر و مزین بچمن و گل در اطراف آن میباشد .

جرزهای میانه ایوانها از آجر تراش و پوشش ایوانها بطور کلی مقرنس گچی و لچه کیهای آنها مزین به کاشیهای خشتی منقش هفت رنگ و در هر ضلعی ایوان بزرگی است اما ایوان جنوبی از آثار تاج الشرف موسوی از دوره صفوی است که قبلا توصیف گردید و سه ایوان دیگر از آثار فتحعلی شاه قاجار و سال ۱۲۱۳ هریک به دهانه ۹ و عرض ۶ و ارتفاع ۱۲/۵۰ متر است که جدار آنها کاشیکاری و دارای کتیبه ای کمر بندی نیز از کاشی خشتی زمینه لاجوردی بخط نستعلیق سفید میرزا مهدی ملک الکتاب و پوششی است ساده که قبلا مقرنس گچی بودند و اینک اثری هم از مقرنس آنها باقی نیست در صورتیکه مقرنس ایوان جنوبی پس از چهار قرن و نیم هنوز پابرجا و سالم مانده است .

در جنبین هر ایوانی راهروی است و بر فراز هر راهروی غرفه ایست نیم بابی منتها در وضع ساختمان ایوان غربی تغییریاتی داده شده است که ضمن توصیف از شاه نشین یا کتابخانه نگاشته خواهد شد .

و در کمر بند سه ایوان یک قصیده از منشآت فتحعلی خان صبا ملک الشعراى ایران مشتمل بر بیست و یک بیت (در هر ایوان هفت بیت) کتیبه شده است که مطلع قصیده در ایوان شرقی چنین است .

دست قدرت تا بدهر این هفت منظر بر کشید

دهر را کی این چنین در حلیه و زیور کشید

هر زمان مشاطه قدرت عروس دهر را
 بر مراد خلق در پیرایه دیگر کشید
 هر سفالین کاسه آمد یادگار جام جم
 بلکه جام جم زرشک از خون دل بر سر کشید
 اینهمه پیمانۀ عشرت به بزم روزگار
 هر کس از دوران شاه معدلت گستر کشید
 فخر شاهان جهان فتح علی شه کاسمان
 حلقه بر فرمان او در گوش هفت اختر کشید
 آن شهنشاه ملکشه چاکر و سنجر غلام
 کش ملکشه خاک در در دیده سنجر کشید
 آسمان در عهد او رسم ستمکاری گذاشت
 کز حسام شهنه عدلش بسی کیفر کشید

اما کتیبه ایوان غربی که کاشیهای هفتمین بیت آن فروریخته است چنین است.

این همایون خطه از سیل حوادث شد چنان
 کز خرابی بوم رختش را ز بوم و بر کشید
 مضجع پاکان دین خیر البلاد ام القری
 خاک قم کز قمه عرش بـرین سر بر کشید
 جسم پاک فاطمه آسوده در آن خاک پاک
 کاسمانش خاک در در چشم انجم بر کشید
 دایه گردون چو او در مهد عصمت در نیافت
 تا مه و خورشید را در مهد سیم وزر کشید
 گرد خذلانی از آن بر صدفه مانی فشاند
 خط بطلان چرخ زین برنامه بابر کشید

هرطرف کاخی منقش تا بکيهان بر فرود
 هرطرف قصری مصور سر بکيهوان بر کشید
 اما کتبه ایوان شمالی که اولین بیتش فروریخته است چنین است .

شاه از در بند شیر اوژن به دشت کار زار
 چون زمرد رنگ تیغ اژدها پیکر کشید
 آن حسام شعله بار آبگون در دست غیر
 راست چون بیدی است کاندربوستان خنجر کشید
 این اثر از بازوی زور آزمای شاه یافت
 ذوالفقار آنکه اثر بخشید کش حیدر کشید
 داد ملک آرای او موبه هفت اقلیم راند
 عدل عالی رای اورایت به نه کشور کشید
 قافله در قافله هر خواجه زو مرجان فشاند
 کاروان در کاروان هر برده ز آن گوهر کشید
 شد چنان آباد چندان کش قصور بی قصور
 سر بچرخ اخضر از آن توده اغبر کشید

که از ابیات مزبور چندین استفاده میشود یکی وضع نابسامان ویرانی قم از سیل
 حوادث (که منظور جز سیل حمله و هجوم آقا محمدخان قاجار. نخواهد بود) در سال ۱۲۰۸
 نبوده است و دیگری بنیان قصور متعددی بانقوش و تصاویر از ناحیه فتحعلی شاه و
 سومی رحمت سال بودن دوران او توأم با فراوانی نعمت .

اما غر فیه شاه نشین غربی

و در پس ایوان غربی شاه نشین مروح و مزینی بود که پادشاهان قاجار
 چون برای زیارت یا سر کشی به عمرانات به قم وارد می شدند در آن غرفه برای

رتق و فتق امور و ملاقات با علمای شهر جلوس می‌کردند.

این غرفه بطول ۹ و عرض ۶/۵۰ و ارتفاع ۸ متر و دارای يك گنبد و چهار شاه‌نشین میباشد که دو شاه‌نشین شرقی و غربی چون مصطبه حدود سی سانتیمتر از سطح فرش گنبد ارتفاع دارند و از هر يك سه درگاه به جانب مدرسه یارودخانه باز بود.

در این غرفه هشت طاقچه زیبا با بغله‌های آراسته به گچبری و پوشش مقرنس گچی و اسپر منقش رنگ آمیزی شده وجود دارد و تمام جدار غرفه نیز بارنگ‌روغنی نقاشی گردیده بود که بعداً بنام تعمیر به تخریب آن پرداخته روی نقوش بدیع‌اش را گل‌اندود ساخته‌اند و پوشش گنبد رسمی‌بندی و منقش‌رنگین می‌باشد.

و در کمر بند آن کتیبه‌ایست که بغله‌ها و اسپر شاه‌نشین‌ها را هم زینت بخشیده است که بعداً نقل خواهد شد.

و در سال ۱۳۵۱ (۱۳۱۱ خورشیدی) مرحوم آیت‌الله حائری یزدی نخستین کتابخانه عمومی این شهر را با پنجهزار مجلد کتاب در همین غرفه تأسیس کرد ولی در وضع بنای موجود تغییری نداد و چون کتابخانه مزبور فاقد قرائت‌خانه بود و روز بروز بر تعداد کتب آنهم افزوده میشد چنانکه غرفه مزبور که مخزن کتب شده بود گنجایش کتابها را نداشت مرحوم آیت‌الله بروجردی قبل از اقدام بساختن مسجد اعظم در سال ۱۳۷۰ پوششی در کمرگاه ایوان غربی روی کتیبه با تیر آهن بیفزود و فوقانی مزبور را جزء مخزن کتابخانه گردانید علاوه دو سالن بزرگ قرائت‌خانه هم از نواحداث نمود و کتابهای بسیاری هم بدان تخصیص داد چنانکه کتابخانه مزبور از هر نظر مستغنی گردید که این دو سالن بجای مطبخ‌خانه‌شاهی ساخته شده‌اند.

اما کتیبه کمر بندی این غرفه در زمینه لاجوردی بخط نستعلیق سفید برجسته است که روی آن قصیده ذیل از منشآت فتح‌علی خان صبا ملك الشعرا مشتمل بر ۳۵ بیت هر مصرعی در میانہ يك ترنج کشیده گچبری شده است.

یارب این چرخ است یا عرش برین یا همایون قصر دارای زمین

گشته از نقش در و دیوار آن
 دانی این فخر و سعادت از چه یافت
 از نزول داور کون و مکان
 دادگر فتح علی شه آنکه باد
 آن جهانداری که از تیغ نزار
 آن شهنشاهی که از شیرین سخن
 خسروی کافکنده صیت همتش
 همتش را لامکان زیر قدم
 بخت او رامام گردون نازده
 آسمان دارای خرمن گشت از آن
 گفتم او را هست بر آدم شرف
 عقل ازین اندر ز خندان گشت و گفتم
 آنکه آورد این گهر از نور پاك
 اعتراضی گر تو را باشد بر او ست
 چون بگاه کینه بر خیزد ز جای
 با سر خطی ستاند بموم روم
 نه بماند خاندان فیلقوس
 نه به صلب بابك اندر شان سلیل
 در خم خمام آورد یال نیام
 رمح او نقاب دلها چون کند
 تیر او با جان بدخواهان اوی
 شهر قم فخر البلاد ام القری
 شد چنان ویران که نه بامی خراب

نقش بر دیوار نقاشان چین
 این همایون بارگاه دلنشین
 از قدوم خسرو دنیا و دین
 آفرین بر جانش از جان آفرین
 پهلوی فلک جهان دارد ثمین
 از نهاد حنظل آرد انگبین
 جاودان بر طاس نه گردون طنین
 حشمتش را آسمان زیر نگین
 همچو مامک بر سلیل ناروتین
 کامدش بر کشت احسان خوشه چین
 وهم گفتا زین سخن هشدارهین
 کی به اندرز تو جان مارا رهین
 طینت آدم سرشت از ماء وطن
 کاینچنین آراست نقش آن و این
 چون بعزم رزم بنشیند به زین
 در پی خیلی سپارد ملک چین
 نه گزارد دودمان آبتین
 نه به ناف مامک اندر شان چنین
 در پی خنک افکند تاج و نگین
 در درونشان گوهر خنجر دفین
 چون شهاب ثاقب و دیو لعین
 کآسمانش کرد یکسان با زمین
 تا در او بومی شود منزل گزین

جود شاهنشاه پی آبادیش
 يك دو فرسنگ آن شه اندر راه سیل
 روضه معصومه كآمد منهدم
 گنبدی افراختش از زر ناب
 از غم زرینه خشتش آفتاب
 هم در آن بنیاد کرد این مدرسه
 صحنش از دلکش حدایق چون بهشت
 هم به رکنی ز آن فلك فرسامکان
 این همایون قصر دلکش شد بنا
 الغرض چون زامر آن صاحب قرآن
 زد صبا از بهر تاریخش رقم
 پوشیده نیست که حرف (کاف) در (کاسمان) برای ربط دادن میانه مرقوم با راقم
 است که به حساب منظور نمیشود و بنا بر این ماده تاریخ تکمیل تزیین آن شاه نشین

دست بر همت کشید از آستین
 چون سکندر بست سدی بس متین
 کردش اینک عبرت خلد برین
 کاسمان از غیرتش باشد حزین
 هر سحر گه گشت خاکستر نشین
 کز غمش فردوس باشد درانین
 حجره ها چون حجله های حور عین
 زامر آن اسکندر دارا مکین
 کاسمان بر آستان سودش جبین
 بازمین این آسمان آمد قرین
 کاسمان دیگر است این بر زمین
 سال ۱۲۱۷ میشود .

قصیده معجزیه



و شاعر توانا شاد روان محمد صادق ناطق اصفهانی که در فن ماده تاریخ
 سرائی سر آمد شعرای روزگار شمرده شده پیش از آنکه قصیده معجزیه سابق
 الذکر خود را در تاریخ تذهیب گنبد فاطمیه بسراید قصیده ذیل را که متضمن نوزده بیت
 و هر مصرع آن جداگانه ماده تاریخ بنای مدرسه فیضیه است سروده است .

این قصیده دارای ۳۸ ماده تاریخ است که با سال ۱۲۱۷ برابر میشود و مانند قصیده
 سابقه الذکر در ضبط همگی تحریفات و تغییراتی راه یافته بود که هیچیک با تاریخ
 منظور وفق نمیداد در نتیجه نگارنده اکثر آنها را تصحیح نمود و معدودی باقیست که

تصحیححشان بعهدہ دیگران است .

وبمنظور بقای این تحفه ادبی قصیده معجزیه مزبور را هم در سینه این صحایف

میسپارد تاحق سراینده اش نیز اداء شده باشد .

بفزود زیب وزینت هر دوسرای علم
 که از رای او گرفته بلندی هوای علم
 تا بر فلك بلند بهر جا لوای علم
 کز حسن عدل او ست شکوه و بهای علم
 قدر و کمال وزینت او جوصفای علم
 شاهی کز اسم او شده بر پا سمای علم
 از امر وی بیاست بگردون ندای علم
 از عون او فزود ترفع سمای علم
 عدل و کمال او شده نزهت فزای علم
 روشن بیدر رای وی آمد لقای علم
 آباد شد زمکرمت او بنای علم
 کز وی رسید بر همه گیتی نوای علم
 آید درون بحجره جنت سرای علم
 در او قرین بود به اجابت دعای علم
 شد عقل و نقل او حکم و رهنمای علم
 کردند جاد را آن چو به آنجاست جای علم
 بر پای شد ز لطف شه دین بنای علم
 هر بیت او چو علم دوان در فضای علم
 تا باد اوج ملت و دین در بقای علم

سلطان عهد فتح علی شاه آن کز او
 دارای مهر رای و جم اجلال کی نشان
 جمشید روزگار که از حکم وی شده
 سلطان جم نگین انوشیروان سریر
 شاه زمن خدیو زمانه کزو بود
 شاهی کز امر او شده بر پالوای دین
 از حکم او بجاست بکیهان ستون دین
 با سهم او فتاده تزلزل بجسم جهل
 عقل و مقال او شده بهجت نمای جود
 زیبا بماء جود وی آمد عذار عدل
 بنیاد شد ز عاطفت او مقام امن
 شد از عطای شاه بنا مدرسی بقم
 با زیب مدرسی و بهر حجره صبح و شام
 در او مکین بود بعبادت فقیه عقل
 روزی در او بکسب علوم آنکه جست جای
 چون زیب جست از پی تعلیم اهل دین
 ناطق صفا و حسن باین قطعه داد و گفت
 هر مصرعی از این پی اتمام او گواه
 با دا بقای دولت و اقبال شه بدهر